

دعوت میرزا یعقوب خان به حکومت مشروطه*

نگارش: سیروس مسرووی
ترجمه: رسول عربخانی

برخلاف آثار ملکم خان که اکثر آنها چاپ شده و مورد مطالعه قرار گرفته، نوشته‌های کم‌شمار میرزا یعقوب خان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این امر باعث شگفتی بسیاری است. زیرا برخی از این نوشته‌ها از جمله مقاله حاضر شامل مباحث سیاسی بدیع و مهمی است که یا در آثار ملکم از نظر دور مانده و یا تنها در کارهای متاخرتر او به چشم می‌خورد. این موضوع آشکار می‌کند که رابطه فکری پدر و پسر به خلاف تصور رایج به صورت تأثیر و غلبه دومی به اولی نبوده است.

میرزا یعقوب خان در سال ۱۸۱۵ م / ۱۲۳۰ هـ. در یک خانواده ارمنی در اصفهان دیده به جهان گشود. لیکن به دین اسلام روی آورد. ادعای وی مبنی بر اینکه مادر بزرگش یکی از خویشاوندان ژان ژاک روسو بوده و چنانکه حامد الگار مطرح می‌کند، امکان دارد صحیح باشد اما محقق نیست. ظاهراً وی در ایام جوانی خود مسافرت‌های زیادی از جمله به هند و آسیای مرکزی نمود و زبان روسی و فرانسه را نیز آموخت. در حوالی سال ۱۸۴۵ / ۱۲۶۱ هـ. در تهران سکنی گزید و با عنوان مترجم به استخدام سفارت روس درآمد.

میرزا یعقوب خان بنیانگذار ضمنی فراموشخانه، انجمن سیاسی و نیمه مخفی نظیر فراماسونری اروپایی است. غالباً چنین گفته شده که میرزا ملکم خان، طراح و رهبر حقیقی انجمن می‌باشد اما این سخن در مورد میرزا یعقوب خان بیشتر صدق می‌کند زیرا وی در تحرک بخشیدن به سازمان منسوب به خود نقش مهم‌تری داشت. حتی نوشته‌ای از ملکم در دست است که در آن می‌گوید وی بانی واقعی فراموشخانه نبوده است. در این نامه که ملکم آنرا به سال ۱۸۹۰ م / ۱۳۰۷ هـ. نوشته چنین می‌گوید: «اگر من تنها شعبده‌بازی انجام دهم (کاری که در فراموشخانه انجام می‌شود) هفت یا هشت هزار تومان در سال بدست خواهم آورد و اگر فراموشخانه را تاسیس کنم می‌توانم درآمدی در حدود بیست هزار تومان داشته باشم». حداقل تفسیر این اظهار این است که ملکم تنها رئیس فراموشخانه نخستین (که بیست هزار تومان درآمد داشت) نبوده بلکه شریک یا یکی از مجریان آن و با مواجهی پایین‌تر بوده است.

به علاوه چنانچه می‌دانیم به دنبال توقیف این سازمان توسط ناصرالدین شاه در سال ۱۸۶۱ م / ۱۲۷۸ هـ. میرزا یعقوب، نخستین شخصی بود که مورد آزار و تعقیب قرار گرفت. پس از اینکه توقیف

این نوشتار بررسی رساله‌ای از میرزا یعقوب خان با عنوان «طرح عریضه‌ای که به خاکپای مبارک باید عرض شود» است. اثر مزبور به چند دلیل در تاریخ اندیشه‌های سیاسی ایران قرن نوزدهم سندی مهم محسوب می‌شود: اول اینکه دربردارنده نقدی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مربوط به سال‌های پایانی حکومت ناصرالدین شاه است. دوم، یکی از اولین متون فارسی است که در آن از یک رژیم دموکراسی پارلمانی (Representative regime) طرفداری می‌شود. برنامه پیشنهادی میرزا یعقوب به ویژه برای پارلمان، ابتکاری و جالب است. سوم اینکه این نوشته شامل نکات جالبی درباره روابط بین علما و دولت... است. چهارم؛ آنکه دربرگیرنده بحث صریحی در دفاع از تسامح است که در آثار فارسی قرن نوزدهم نادر است. در صفحات آتی به این چهار مورد اشاره خواهد رفت.

میرزا یعقوب خان، عمدتاً در ارتباط با پسرش میرزا ملکم خان که مشهورترین طرفدار رفورم غربی در دوره بلند مدت ناصری (۱۲۶۷-۱۳۱۲ هـ) / (۱۸۴۷-۱۸۹۵) بود شناخته می‌شود.





ناصرالدین‌شاه در لباس کلاه درکی

میرزا یعقوب پیشنهاد می‌کند
از آنجا که عموم شیعیان ایرانی،
مقلد مجتهدان هستند،
این مجتهدان، علاوه بر این
می‌توانند نمایندگان مشروع
مردم در یک پارلمان نیز باشند.
این امر مشکلات پیچیده
موجود در انتخاب را رفع می‌نماید
و مهم‌تر از آن، اینکه به جدایی و
ناسازگاری میان حوزه مذهب
(شرع) و حوزه دنیوی (عرف)
پایان می‌بخشد.

نامه‌های بلندی است که اندکی پس از تبعید نگاشته شده. سومین، رساله‌ای است تحت عنوان «افزایش ثروت». چهارمین نوشته «طرح عریضه‌ای...» می‌باشد. علاوه بر اینها میرزا یعقوب خان متهم گشته به اینکه وی مؤلف مقاله‌ای است که در ۱۸۶۱ م / ۱۲۷۸ هـ. نوشته شده و در آن از ناصرالدین شاه به شدت انتقاد شده بود. اگرچه او این اتهام را رد نمود ولی باید بخاطر بی‌اوری که در آن زمان وی هنوز در ایران بود و چنین تکذیبی برای نجات زندگی‌اش لازم می‌نموده است و بالاخره در رساله «طرح عریضه‌ای...» میرزا یعقوب از کتاب فرانسوی خود سخن به میان می‌آورد ولی هیچ اطلاعاتی از این کتاب وجود ندارد.

متأسفانه «طرح عریضه‌ای...» فاقد تاریخ است اما این را می‌دانیم که بعد از تبعید میرزا یعقوب خان در ۱۸۶۱ م. نگاشته شده است، دلیلش نام بردن نویسنده از میرزا آقاخان متاخر نخست‌وزیر دوم ناصرالدین شاه می‌باشد که در ۱۸۶۵ م / ۱۲۸۲ هـ. درگذشت. همچنین در این متن میرزا یعقوب خان به حاجی صفای متاخر نیز اشاره می‌کند. می‌دانیم که رضاقلی خان سوادکوهی مشهور به حاجی صفا در اکتبر ۱۸۷۴ م / ۱۲۹۱ هـ. از دنیا رفت. این مقاله که پس از اکتبر ۱۸۷۴ م / ۱۲۹۱ هـ. نوشته شد از این جهت مهم تلقی می‌شود که می‌تواند ما را در تبیین انگیزه احتمالی مؤلف در انتقاد شدید از دولت و همین‌طور علما یاری کند.

ما آگاهییم که میرزا یعقوب خان و ملکم خان، هر دو از نخست‌وزیری میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) حمایت می‌کردند. نخست‌وزیری میرزا حسین خان مشیرالدوله در نتیجه یک توطئه درباری که با همکاری درباریان و شاهزاده‌های محافظه‌کار و برخی از اعضای قدرتمند علما صورت گرفت به سال ۱۸۷۳ م / ۱۲۹۰ هـ. پایان یافت. مشهورترین اعضای این ائتلاف، شاهزاده فرهاد میرزا معتمدالدوله (عموی شاه)، انیس‌الدوله (یکی از همسران شاه)، میرزا یوسف خان مستوفی‌الممالک، وزیر امور خارجه، سعیدخان انصاری، حاجی علی کنی (یکی از منتقدترین علمای تهران) و دیگر روحانی تهران میرزا صالح عرب، بودند.^{۱۰} شگفت نیست که رساله «طرح عریضه‌ای» از آن قشر اجتماع که دشمنان میرزا حسین خان بدان تعلق داشتند انتقاد می‌کند.

میرزا یعقوب خان در انتقاد خود از درباریان به ویژه به فساد آنها حمله‌ور

صورت گرفت به او گفته شد «نمی‌تواند مدت زیادی راحت و آسوده در [تهران] یا [سایر نواحی] کشور زندگی کند» و در همان سال تبعید شد.^{۱۱} در همین زمان ملکم خان اجازه گرفت بیش از یکسال در تهران بماند و تبعید او در ۱۸۶۲ م / ۱۲۷۹ هـ. عمدتاً به خاطر انتقادهای مداومش از دولت بود.

همچنین نکته جالب این که پس از تبعید ملکم به امپراطوری عثمانی، میرزا حسین خان مشیرالدوله، وزیر مختار ایران در استانبول مطلع شد که «علیحضرت حتی به اندازه نوک سوزن از ملکم ناراضی نیست» تفاوت در رفتاری که با میرزا یعقوب خان و پسرش میرزا ملکم خان صورت گرفت همچنین آشکار می‌کند که شاه، نفر قبلی را رهبر واقعی فراموشخانه می‌دانسته است. دلیلی وجود ندارد فکر کنیم شاه در این استنتاج به خطا رفته است.

میرزا یعقوب خان اولین بخش تبعید خود را در آسیای مرکزی گذراند. سپس به روسیه مسافرت نمود و با یوسف خان مستشارالدوله، شارژ دافتر اصلاح طلب ایران در سن پترزبورگ در حوالی سال ۱۸۶۳ م / ۱۲۸۰ هـ. دوستی یافت. بر طبق گزارش خان ملک ساسانی او پس از اینکه، پسرش میرزا ملکم خان، از خدمت در سفارت ایران دست کشید در استانبول بود.^{۱۲} در این ایام است که وی با چارلز میسمر نویسنده فرانسوی ملاقات کرده، دوستی یافت.

به هر حال به نظر می‌رسد میرزا یعقوب اندکی بعد استانبول را ترک نموده باشد. ما به واسطه مطالب «طرح عریضه‌ای» از سفر نامعلوم وی به مصر که از دید تاریخنگاران زندگی وی دورمانده، باخبر می‌شویم. شائول بک‌هاش می‌نویسد: «پس از اینکه میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) در ۱۸۷۱ م / ۱۲۸۸ هـ. نخست‌وزیر شد، میرزا یعقوب در راه عزیمت از روسیه به استانبول بود».^{۱۳} اگر گزارش فوق صحیح باشد این دومین بار بود که میرزا یعقوب از روسیه به استانبول مسافرت می‌کرد. شکی وجود ندارد که وی پس از ۱۸۷۲ م / ۱۲۸۹ هـ. در استانبول اقامت گزید و بعد از یک دوره طولانی بیماری که وی را فلج نمود در سال ۱۸۸۱ م / ۱۲۹۸ هـ. درگذشت.

میرزا یعقوب خان صاحب چهار اثر فارسی است که در مطالعات تاریخ اندیشه‌های سیاسی ایران معاصر دارای اهمیت فراوان می‌باشند. دوتای آنها،



ناصرالدین شاه قاجار

«میرزا یعقوب خان» در عقیده
 «یوسف خان» سهیم می شود که
 دانش های اروپایی باید به اصول اسلام
 سازش یابد. وی سپس در چگونگی
 امکان این سازش، مثالی بسیار بدیع می آورد.
 حکومت مشروطه که یک روش و
 فن اروپایی است به برکت اصل
 اجتهاد شیعه در ایران سهل تر
 از اروپا می تواند به اجرا درآید

«میرزا یعقوب خان»
 عمدتاً در ارتباط با پسرش
 «میرزا ملکم خان»
 مشهورترین طرفدار
 رفرورم غربی در دوره
 بلندمدت ناصری (۱۸۹۵-۱۸۴۷
 م/ ۱۳۱۲-۱۲۶۷ ه. ق)
 شناخته می شود

می شود: «رشوه خواری، سرکوب رعیت، تعارف گیری، تقاضای پیشکش و ایجاد «درآمد» کار اصلی طبقه اشراف ایرانی است که با شیر اندرون شده با جان بدر شود». «میرزا یعقوب خان نخست وزیر اول شاه، میرزا تقی خان امیرکبیر را به یاد او می آورد و ادامه می دهد که مقامات حکومتی در قتل او دست داشتند زیرا وی سعی داشت فساد را متوقف کند. بار دیگر میرزا حسین خان را در خاطر شاه زنده می کند. شخصی که مبارزه او با فساد مالی مقامات حکومتی مشهور بود.

«طرح عریضه ای...» علی رغم انتقاد از درباریان و صاحب منصبان حکومتی با تعریف و تمجید از ناصرالدین شاه شروع می شود میرزا یعقوب خان اظهار می دارد که ناصرالدین شاه در «فهم، آگاهی، بینش، دانش و تجربه اولین

شخص در میان تمام ایرانیان» است. او با این نکته به بحث خود ادامه می دهد که شاه تنها شخصی است که می تواند نظم را به ایران بازگرداند و مشکلات کشور را حل نماید. این چنین تملقی از شاه در میان اصلاحگران ایرانی معاصر وی رایج بود و اظهارات مشابه آنرا در نوشته های ملکم خان می توان یافت. اما نکته جالب این است که «طرح عریضه ای» پس از تعریف های مختصر فوراً به انتقاد قوی از نهاد سلطنت تغییر رویه می دهد. این رساله شامل خشن ترین و صریح ترین انتقادات از نظام پادشاهی ایران در قرن نوزدهم تا زمان خود اثر می باشد. میرزا یعقوب خان می نویسد: «نمی توان پنهان داشت که در ایران هرگز چیزی به نام دولت وجود

نداشته و حتی لفظ دولت هم رایج نبوده است. تنها یک سلطنت بی معنی وجود داشته که ما شرح و نتایجش را خوانده، شنیده و دیده ایم. [برخی مواقع] بطور اتفاقی بعضی شاهان عادل و رثوف بوده اند که به برکت وجود آنها مردم مدتی در آسایش به سر برده اند. والا معنی سلطنت در ایران این بوده که اسباب قتل و غارت جمع نموده و به جان اهالی خانه بیفتند یا اینکه هرگاه فرصت نمایند به تاخت و تاز و غارت ولایت همجوار پردازند...»^{۳۲}

وی در ادامه می افزاید: «با این نوع از سلطنتی که در ایران رایج است مطیع و آرام نگاه داشتن حتی یک ملت ضعیف اروپایی غیرممکن است. اگر مردم ایران [این شرایط] را تحمل کرده اند. به این خاطر است که... آنها معتقدند سلطنت حافظ آبروی آنها و شریعت

مقدس اسلام است».^{۳۳}

میرزا یعقوب خان به شاه توصیه می کند که به «سنت اجدادش مباحث نکنند» و به جای توسعه دادن مفاهیم قتل و غارت، حکومت قانون را برقرار کند و قبل از قانون، برابری و عدالت را اجرا نماید. در یک چنین حکومتی، قانونی که به وسیله شاه تصدیق می شود همه مردم و از جمله خود شاه باید مطیع آن شوند.^{۳۴}

درخواست برای حاکمیت قانون قبل از رساله «طرح عریضه ای» مطرح شده بود. اولین رساله سیاسی ملکم خان با نام «کتابچه غیبی» (۱۸۵۸-۹۱ م/ ۱۳۰۸-۱۲۷۴ ه) در حقیقت نخستین متن فارسی است که در آن به تفصیل

از حکومت قانون طرفداری شده بود. بعد از آن میرزا یوسف خان مستشارالدوله، دوست میرزا یعقوب خان در [رساله] «یک کلمه» خود (۱۸۷۱ م / ۱۲۸۸ ه) استدلال نمود که برقراری یک قانون مکتوب، مهم‌ترین گام برای پیشرفت ایران خواهد بود. اما در هیچیک از آثار متقدم‌تر تقاضا برای یک حکومت مشروطه (Constitutional regime) مبتنی بر رضایت مردم به صراحت و قوت «طرح عریضه‌ای» مطرح نشده است.

در نظر میرزا یعقوب خان حکومت بدون یک قانون اساسی (Constitution) مشابه زمینی است بدون آب کافی. همانگونه که باغبان چنین زمینی صرفنظر از کارش نمی‌تواند محصول زیادی پرورش دهد. شاه یک کشور بدون قانون اساسی نیز در تلاش‌هایش برای اصلاح کشور خود توفیق نخواهد یافت.^{۱۴} علاوه بر این، میرزا یعقوب خان استدلال می‌کند که تاسیس حکومت مشروطه، شرط لازم و گریزناپذیر برای تضمین امنیت کشور و ساکنان آن می‌باشد. همچنین وجود یک رژیم مشروطه برای اتحاد و نزدیک ساختن دولت و مردم که نقش، شامل حال شاه نیز خواهد بود ضروری است. جهت ایجاد چنین اتحادی، روابط بین دولت و رعیت باید مبتنی بر یک پیمان باشد: دولت بر جان و مال رعیت صاحب حق است به شرطی که از حقوق «مشروع» (Leqitimate) اتباع خود دفاع نماید و نسبت به ایشان رحم و شفقت داشته باشد.^{۱۵} در بافت چنین رژیم مشروطه‌ای قوانین با موافقت مردم وضع می‌شوند:

«وضع و اعمال هر قانونی [باید] بر اساس سعادت و رضایت فرد باشد. بدیهی است که فراهم کردن رضایت تک تک افراد غیرممکن است بنابراین در شهر و هر ناحیه به تناسب جمعیت آن تعدادی از اشخاص معتبر و معروف بر اساس توافق اهالی به نمایندگی آنها انتخاب می‌شوند.»^{۱۶}

چنین طرفداری صریح و مستقیم از حکومت مشروطه در متون ما قبل‌تر، بی سابقه می‌باشد. به عنوان نمونه میرزا یوسف خان متذکر می‌شود که مطابق قانون اساسی فرانسه،

آزادی و توافق مردم، اساس تمام سیاستهای حکومت می‌باشد.» او تلاش می‌کند تا سازش چنین اصلی را با آموزه‌های اسلامی اثبات کند اما دامنه بحث وی بسیار مختصر و همراه با ابهامی عامدانه و کمی مشکوک است.^{۱۷} به همین منوال میرزا یعقوب خان در عقیده یوسف خان سهیم می‌شود که دانش‌های اروپائی باید با اصول اسلام سازش یابد. وی سپس در چگونگی امکان این سازش، مثالی بسیار بدیع می‌آورد. حکومت مشروطه که یک روش و فن اروپائی است که به برکت اصل اجتهاد شیعه در ایران سهل‌تر از اروپا می‌تواند به اجرا درآید.

رساله

«طرح عریضه‌ای است که

به خاکپای مبارک

باید عرض شود»،

به چند دلیل در تاریخ

اندیشه‌های سیاسی ایران

قرن نوزدهم،

سندی مهم محسوب می‌شود:

۱- در بردارنده نقدی سیاسی،

اقتصادی و اجتماعی مربوط به

سال‌های پایانی حکومت

ناصرالدین شاه است

۲- یکی از اولین متون

فارسی است که در آن از

یک رژیم دموکراسی پارلمانی

طرفداری می‌شود.

برنامه پیشنهادی میرزا یعقوب،

به ویژه برای پارلمان،

ابتکاری و جالب است

۳- این نوشته، شامل

نکات جالبی درباره روابط

بین علما و دولت است

۴- رساله مذکور،

درب‌گیرنده بحث صریحی

در دفاع از تسامح است که در

آثار فارسی قرن نوزدهم

نادر است

برطبق مکتب اصولی تشیع که از آغاز قرن هجدهم در ایران حاکم بوده هر مسلمان عامی باید پیرو یک مجتهد باشد. مجتهد کارشناسی است که توانایی استنتاج صحیح از قوانین الهی اسلام را داراست. از آنجا که داشتن این قوانین و تجویز و استعمال آنها نیاز به مطالعه طولانی دارد که البته بیشتر مسلمانان از انجام آن ناتوانند به همین علت برای راهنمایی به مجتهدان رجوع می‌نمایند.

میرزا یعقوب پیشنهاد می‌کند از آنجا که عموم شیعیان ایرانی مقلد مجتهدان هستند. این مجتهدان علاوه بر این می‌توانند نمایندگان مشروع مردم در یک پارلمان نیز باشند. این امر مشکلات پیچیده موجود در انتخابات را رفع می‌نماید و مهمتر از آن اینکه به جدایی و ناسازگاری میان حوزه مذهب (شرع) و حوزه دنیوی (عرف) پایان می‌بخشد. هر چند در عمل بسیاری از علمای شیعه قرن نوزدهم ایران با دولت همکاری می‌نمودند اما در حوزه نظری، تردید در مشروعیت حکومت قاجار محتمل بود و حتی بر طبق برخی تفسیرها و دکترین سیاسی شیعه، نظام سلطنت می‌توانست تکذیب شود.

دعوت از «مجتهد» برای شرکت قانونمند در امور سیاسی و نفوذ آنها در بیکره تقنینی، نظری کاملاً ابتکاری بود. شاید میرزا یعقوب خان ارزش عملی پر اهمیتی در این طرح پیشنهادی می‌دید. از همه مهمتر این نظر، اعتراض علما را بر نظام قانونگذاری از بین می‌برد. اینگونه اعتراض‌ها بر این فرض استوار بود که اسلام دربردارنده قوانین لازم برای همه جهات زندگی بشر می‌باشد. بنابراین هرگونه قانونگذاری به وسیله مسلمانان بدعت محسوب می‌شود. اعتراضات مشابهی نیز در واقع علیه تلاش عباس میرزا برای نوسازی ارتش ایران بر اساس مدل‌های اروپائی در ۱۸۱۰ م / ۱۲۲۵ ه. و همینطور علیه تعلیمات فراموشخانه شده بود.^{۱۸}

حمایت علما از چنین رژیم مشروطه‌ای می‌توانست تشویق بیشتر شاه را برای پذیرفتن آن فراهم سازد. به علاوه علما سازمان و نفوذ لازم را برای بسیج توده‌های شهری که تصدیق عمومی آنها برای پیشبرد اصلاحات لازم بود دارا بودند. نهایتاً اینکه علما با توجه به بخش وسیعی از جمعیت بی‌سواد می‌توانستند حلقه ارتباط و تعامل روشنفکران و توده مردم باشند. اگرچه نمی‌توان به یقین گفت که آیا میرزا یعقوب خان واقعاً به موضوعات فوق علاقمند بوده یا نه؛ اما روی هم رفته در نگرش نفع جویانه‌اش به اسلام کم‌تر می‌توان تردید کرد.^{۱۹} دعوت میرزا یعقوب خان به تشکیل سیستم تقنینی با حضور مجتهدان غیرمشروطه نیست. علما باید «در همه جهات از دولت و پادشاه حمایت کنند» و به توانایی حکومت و قدرت شاه افتخار نمایند.^{۲۰}



درخواست برای حاکمیت قانون،
 قبل از رساله «طرح عریضه‌ای...»
 مطرح شده بود... اما در هیچ یک
 از آثار متقدم‌تر،
 تقاضا برای یک حکومت مشروطه،
 مبتنی بر رضایت مردم
 به صراحت و قوت
 «طرح عریضه‌ای...»
 مطرح نشده است

مدیحه‌گوی دربار را نیز که نه یک روحانی و نه فردی آشنا با تفکر اروپائی است در این مجلس جای می‌دهد.

با همه اینها نباید دچار اشتباه شده و میرزا یعقوب‌خان را به خاطر ماهیت رادیکالی برخی از طرح‌هایش یک انقلابی به شمار آورد. حقیقت سخن او این است که: «گوهر پیشرفت و لوازم اصلاح به راحتی می‌تواند با ترتیبات سنتی مطلوب و مقتضیات جدید عصر حاصل شود. نه نیازی به حمله برای ترک تمام سنت‌های کهن و نه هیچ ضرورتی به پذیرش همه ترتیبات جدید وجود دارد.»^{۳۳}

به علاوه تعهد و سرسپردگی میرزا یعقوب‌خان به لیبرالیسم حد و حدودی دارد. از این رو اگر قویاً از تسامح در برابر یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان دفاع می‌کند در همان حال درباره تسامح با بابیان سکوت اختیار می‌کند. به همین نحو در مجلس مجتهدان پیشنهادی وی، نه تنها زرتشتیان، یهودیان و

مسیحیان بلکه مسلمانان سنی نیز نماینده‌ای ندارند، اما شگفت‌انگیزترین انحراف میرزا یعقوب‌خان از لیبرالیسم، دیدگاه‌های او راجع به زنان است. در نظر میرزا یعقوب‌خان زن نه تنها از حقوق قانونی و سیاسی برابر با مردان برخوردار نیست بلکه حتی به وی همانند ملک و مال نگریسته می‌شود...

... انتقاد او از آزادی زنان اروپائی بیشتر با نظرات روشنفکران محافظه‌کار همخوانی دارد از این نمونه علی‌بخش میرزای قاجار در

**«میرزا یعقوب‌خان» صاحب
 چهار اثر فارسی است که
 در مطالعات تاریخ اندیشه‌های
 سیاسی ایران معاصر،
 دارای اهمیت فراوان می‌باشند.
 دوتای آنها، نامه‌های بلندی
 است که اندکی پس از
 تبعید نگاشته شده، سومین،
 رساله‌ای است تحت عنوان
 «افزایش ثروت» چهارمین
 نوشته، «طرح عریضه‌ای...»
 می‌باشد**

در حقیقت از نظر میرزا یعقوب‌خان علما بایستی ابزارهایی شوند جهت ایجاد یک دولت قدرتمند زیرا «امروز حفظ کشور و حمایت از جان، مال و ناموس مسلمانان منحصراً وظیفه [دولت] می‌باشد.»^{۳۴} علاوه بر این، «طرح عریضه‌ای...» از چند جهت نقش علما را مورد بحث قرار می‌دهد...

... ماهیت راهکارهای میرزا یعقوب‌خان برای ایجاد یک تشیع اصلاح یافته، مشابه نظریات سیاسی اروپائیان قرن شانزدهم است که از تبدیل مذهب به یک ابزار مؤثر در خدمت دولت حمایت می‌کردند.

میرزا یعقوب‌خان به منظور اصلاح دکترین شیعه پیشنهاد می‌کند: انجمنی متشکل از آقای وزیر فوآند، جناب اشرف ناصرالملک، مقرب‌الخاقان عبدالرسول خان و سایر روشنفکران چون محمودخان ملک‌الشعراء، اروپائیان با سابقه‌ای که از نیک و بد ایران باخبرند و سایر افراد ایجاد شود. آنها باید ترتیبی

فراهم آورند تا با علمای طراز اول در یکی از مدارس معروف برای تبادل نظر کنار هم آیند. در آنجا بایستی مشکلات جدید را رفع نموده به تدریج اتهامات و اشتباهات را از بین ببرند.

این پیشنهاد که روشنفکری مانند ناصرالملک که تحصیلکرده انگلستان بود در انجمن شرکت کند زیاد شگفت‌انگیز نیست اما اینکه برخی از اروپائیان نیز در بازنگری تشیع حضور دارند نظری به شدت رادیکال بود. علاوه بر این جالب است که میرزا یعقوب‌خان ملک‌الشعراء، شاعر

میزان المل (۱۸۸۷ م / ۱۳۰۴ هـ) از قوانین اسلامی در مورد عدم حضور زنان در مجالس مردان ستایش کرده استدلال می‌کند «فساد و دولت‌های مسلحانه که در اروپا روی می‌دهد به این دلیل است که زنان خود را به حجاب نمی‌پوشانند»^{۲۵} در همین زمان از سوی دیگر لیبرال‌های تندرو ایرانی چون فتحعلی آخوندزاده از قوانین اسلامی و سنت‌هایی که در مورد زنان اعمال می‌شد انتقاد می‌نمودند.^{۲۶} بدین ترتیب «طرح عریضه‌ای که به خاک پای مبارک محرمانه باید عرض شود» پرتویی بر اندیشه میرزا یعقوب‌خان اصلاحگر عصر خویش که اندیشه‌ها و فعالیت‌های سیاسی‌اش کمتر مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته، می‌افکند. به نظر می‌رسد «طرح عریضه‌ای...» اولین متن فارسی باشد که در آن اصول لیبرال حاکمیت پارلمنتاریستی و دولت انتخابی به صراحت برای ایران توصیه می‌شود. همچنین این متن به خاطر دفاع از تسامح مذهبی به ویژه در مورد یهودیان، مدرکی فوق‌العاده برای آن دوره به شمار می‌رود.

گذشته از این، «طرح عریضه‌ای...» گواه مستقیمی است بر نفوذ علائق عملگرایانه (Praymatic) در میان اصلاحگران ایرانی قرن نوزدهم و رویکرد به اندیشه‌های غربی^{۲۷} (این نوشته برخورد گزینشی میرزا یعقوب‌خان با اصول لیبرالیسم را شرح می‌دهد در همان حال که از دموکراسی دفاع می‌کند و فشار مذهبی را تقبیح می‌نماید، از تبعیض علیه زنان نیز حمایت می‌کند. این برخورد گزینشی تا اندازه‌ای معلول سوابق عملگرایانه مؤلف بود که در درون یک

نگرش کلی فایده‌انگاره سیاسی قرار داشت. یک چنین نگرشی که با آثار و نتایجش در سیر تکامل اندیشه سیاسی ایران معاصر پیوستگی عمده داشته تاکنون آنگونه که شایسته است بوسیله محققان مورد ارزیابی قرار نگرفته است.

پی نوشت‌ها:

* - اصل مقاله با عنوان:

Mirza Ya'qub khan's call for Representative Government, Toleration and Islamic Reform in Nineteenth-century Iran
در نشریه Middle Eastern Studies, Vol. ۳۷, No. ۱, January ۲۰۰۱
به چاپ رسیده است.
لازم می‌دانم از پروفیسور جان، سی، لارسن به خاطر راهنمایی‌های سودمندش تشکر نمایم.

of California press. ۱۹۷۳), ۱. Hamid Algar, Mirza Malkumkhan P. ۵ (Berkeley: University

۲. Algar, Mirza, P. ۵. محیط طباطبائی، مجموعه آثار میرزا ملکم‌خان (تهران: علمی ۱۳۵۹) مقدمه، ص ۱.

۳. Algar, Mirza, ۵۳

۴. اسماعیل رائین: فراموشخانه و فراماسونری در ایران، تهران، امیرکبیر،

«طرح عریضه‌ای...»

علی‌رغم انتقاد از درباریان
و صاحب منصبان حکومتی

با تعریف و تمجید از

ناصرالدین شاه شروع

می‌شود... این چنین تملقی

از شاه، در میان اصلاحگران

ایرانی معاصر وی رایج بود و

اظهارات مشابه آن را

در نوشته‌های ملکم‌خان

می‌توان یافت. اما

نکته جالب این است که

«طرح عریضه‌ای...»

پس از تعریف‌های مختصر،

فوراً به انتقاد قوی

از نهاد سلطنت،

تغییر رویه می‌دهد

۱۳۵۷، ج اول، ص ۵۰۱، ۵۳. Algar, Mirza

۵. فریدون آدمیت و هما ناطق: افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر شده دوران قاجار، تهران، آگاه، ۱۳۵۶، ص ۱۷۹.

۶. خان ملک ساسانی: سیاستگران دوره قاجار، تهران، هدایت، بی‌تا، ج اول، ص ۱۲۹.

۷. ساسانی، سیاستگران پیشین، ج اول، ص

۱۳۰-۱۲۹. اینکه محیط طباطبائی نقل می‌کند

«میرزا یعقوب‌خان پس از تبعید برای همیشه در

استانبول اقامت گزید» صحیح است. (مجموعه،

مقدمه، ص ۲۱).

۸. Shaul Bakhash, Iran: Monarchy Reform

Qajars: ۱۸۸۸-۱۸۹۶ (London: Ithaca press,

۱۹۷۸), P. ۸۱. under

۹. برای آگاهی از زندگینامه مختصر حاجی

صفا رجوع شود به ساسانی، سیاستگران، پیشین، ج

اول، ص ۶۲.

۱۰. برای نام برخی از توطئه‌گران بنگرید به:

ساسانی، سیاستگران پیشین، ج اول، ص ۷۵۶.

۱۱. Mirza Ya'qub khan. Tarh.e Arizeh.i Ast

-payeh mobarak Mahramaneh Bayad

Nationale, Paris, no. keh beh khak

۱۹۹۶, P. ۲۲. Arz shavad, Bibliotheque

۱۲. Ibid., P. ۱.

۱۳. Ibid., P. ۶.

۱۴. Ibid., P. ۲.

۱۵. Ibid., P. ۱۱.

۱۶. Ibid., PP. ۶-۷.

۱۷. Ibid., P. ۷.

۱۸. رجوع شود به: میرزا یوسف خان

مستشارالدوله، یک کلمه، تهران، نشر جهان، ۱۳۶۴،

صص ۲۶-۷.

۱۹. این طرح بعدها در ۱۸۹۰ م / ۱۳۰۷ هـ. ق

توسط میرزا ملکم‌خان و همکارانش در روزنامه

قانون از نو زنده شد و ماهرانه پرورش یافت.

۲۰. همین مسأله اساسی‌ترین اعتراضی بود که بوسیله شیخ فضل‌الله نوری و

همفکرانش ۱۹۰۶-۱۳۲۶ / ۱۳۲۶-۱۳۲۶ هـ. ق. علیه حکومت مشروطه مطرح شد.

۲۱. برای آگاهی مختصر در این باب بنگرید به: Mirza. PP. ۶۸

Algar,

۲۲. Mirza Ya'qubkhan, Tarh.e Arizeh.i, P. ۱۱.

۲۳. Ibid., P. ۱۰.

۲۴. Mirza Ya'qubkhan, Tarh.e Arizeh.i, not ۲۵. علی

بخش میرزای قاجار: میزان المل، تهران، اسلامی، بی‌تا، ص ۸۵.

۲۶. میرزافتحعلی آخوندزاده: مکتوبات، به کوشش م. صبحدم، بیجا، مرد امروز،

۱۳۶۴، صص ۱۷۸-۸۲.

۲۷. برای اطلاعات بیشتر در این موضوع بنگرید به:

David Hume and others', Cyrus Masroori, 'European thought in

the history of Ideas. Vol. ۶۱. No. ۴ (Ocl nineteenth. Century Iran:

۲۰۰۰). PP. ۶۵۷-۷۵. Journal of

توضیح کتاب ماه:

به دلیل حجم زیاد مقاله، قسمت‌هایی از ترجمه مقاله در چاپ حاضر حذف شده

که بدین وسیله از نویسندگان و مترجم عذرخواهی می‌شود.